



نقدی بر شاخص ضریب چینی از منظر عدالت اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بزرگ بخشایش همیشه بخشایند

بِسْمِ

شماره مسلسل: ۱۸۶۱۲
کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۱/۱۰/۷

عنوان گزارش:

نقدی بر شاخص ضریب جینی از منظر عدالت اسلامی

نام دفتر:

مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین:

محمدتقی نظریان مفید

ناظران علمی:

مهدی عبدالحمید

محمد مهدی مهربان هلان

صفحه آرا:

انسیه بهاء بزرگی

ویراستار ادبی:

پرند فیاضی

واژه‌های کلیدی:

۱. عدالت اجتماعی

۲. برابری

۳. شاخص

۴. ضریب جینی



فهرست مطالب

۶

چکیده

۷

خلاصه مدیریتی

۸

مقدمه

۱۰

۱. ضریب جینی

۱۱

۲. تأملی پیرامون مفهوم برابری

۱۵

۳. جایگاه صحیح ضریب جینی در نظریه عدالت اسلامی

۱۷

نتیجه‌گیری

۱۸

منابع و مأخذ



نقدی بر شاخص ضریب جینی از منظر عدالت اسلامی

چکیده

تناقض با مبانی عدالت اسلامی است. در این گزارش سعی شده تا نقدی بر این شاخص از بستر مبانی اسلامی داشته و در نهایت شیوه صحیح به کارگیری آن را روشن و مشخص کنیم. آنچه از این گزارش نتیجه شده آن است که ضریب جینی به عنوان شاخص ارزیابی نابرابری در جامعه باید در ابتدای فرایند توزیع و تخصیص به کار گرفته شود و به کارگیری آن به عنوان ابزاری برای قضاوت کلان پیرامون وضعیت نهایی توزیع ثروت و درآمد در جامعه خطای فاحشی است. این خطا از سویی سیاست‌های تجویزی را آغشته به رنگ و بوی سوسیالیستی نموده و از سوی دیگر منجر به آدرس غلط به سیاستگذار شده و او را به درگیری با معلول‌ها به جای پرداختن به علت‌های ناعدالتی مشغول می‌کند.

شاخص‌ها و استانداردهای تعریف شده در عرصه‌های مختلف اجتماعی نقش مهمی در جهت‌دهی به سیاست‌ها و ترسیم شیوه مطلوب حکمرانی داشته و از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌ورزی هستند. از این رو می‌توان ادعا داشت که اصلاح و تحول در حکمرانی، بدون بازبینی در شاخص‌ها و استانداردهای تعریف شده و نیز جایگاه و قلمرو به کارگیری آنها میسر نخواهد بود. ضریب جینی همواره به عنوان یک شاخص بسیار متداول مرجع تحلیل بسیاری از سیاست‌های تخصیصی و توزیعی و جهت‌گیری‌های سیاستی در حوزه نابرابری و رفاه در کشورهای مختلف به خصوص ایران بوده است. این شاخص اما در قضاوت از منظر نظریه عدالت اسلامی با نواقص و ضعف‌های بسیاری روبه‌روست و جایگاه به کارگیری آن نه تنها سمت و سوی اسلامی ندارد، بلکه از جهاتی در

[خلاصه مدیریتی]

توزیع ثروت در جامعه استفاده می‌شود و این نوع استفاده و قضاوت از منظر عدالت اسلامی مورد تأیید نیست. در این نوشتار نشان داده‌ایم که استفاده بجا از ضریب جینی وقتی خواهد بود که برای رصد وضعیت نابرابری جامعه در حلقه نخست توزیع بکار گرفته شود. مقصود از حلقه نخست توزیع بررسی و رصد وضعیت نابرابری در بهره‌مندی جامعه از منابع اولیه می‌باشد.

از آثار و مضرات محور قرار گرفتن این شاخص در سیاست‌های رفاهی آن بوده است که سیاستگذار را از پرداختن به علل بی‌عدالتی‌ها دور نموده و او را به درگیری با معلول‌ها و اتخاذ سیاست‌های ترمیمی در حوزه توزیع مشغول ساخته است. این موضوع از بررسی سابقه تاریخی سیاست‌های ناظر بر رفع فقر و نگاه به شیوه حمایت‌های معیشتی و یارانه‌ای کشور قابل کشف است. سیاستگذاری صحیح در حوزه رفاه و مقابله با پدیده‌های شومی چون فقر باید بدو متمرکز بر «مقابله با ایجاد فقر در جامعه» باشد نه از «بین بردن و زدودن فقر». متأسفانه به واسطه غفلت از تمرکز بر علت‌ها، نظام اقتصادی، سمت و سوی واگرا در شکاف طبقاتی به دست آورده و چهره زشتی را در عرصه اجتماع پدید آورده است. روز به روز به این شکاف افزوده می‌شود و نظام سیاستی کشور با شیوه فعلی و الصاق سیاست‌های ترمیمی، نمی‌تواند آثار منفی آن را از بین برده و شکاف را کاهش دهد.

امروزه شاخص‌ها نقش بسیار تأثیرگذاری در جهت‌دهی جوامع از طریق استانداردهای و ایجاد بسترهای ارزیابی و اثرسنجی سیاست‌ها ایفا می‌کنند و به همین واسطه می‌توان از آنها به عنوان یکی از ابزارهای مهم حکمرانی نام برد. با توجه به این جایگاه اگر شاخص‌ها به درستی طراحی نشده و یا در جایگاه صحیح خود بکار گرفته نشوند، منجر به خطای محاسباتی و جهت‌دهی غلط به سیاست‌گذار و جامعه خواهند شد. از این رو نیاز است تا شاخص‌هایی که نقش تعیین‌کننده در سیاست‌های کشور دارند با دقت مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته و شکل و جایگاه دقیق استفاده از آنها برای سیاست‌گذار تبیین شود.

ضریب جینی از جمله شاخص‌هایی است که نقش بسیاری در جهت‌دهی سیاست‌ها و رصد وضعیت عدالت و برابری در کشور دارد و می‌توان گفت از جمله عمومی‌ترین شاخص‌های موردارجاع در عرصه سیاستی کشور است. اما باید اذعان داشت که متأسفانه این شاخص به شکل صحیح در عرصه سیاستی کشور مورد استفاده و استناد نیست. همین امر منجر به گزارش نادقیق از وضعیت عدالت در جامعه شده و به تبع آن با ایجاد خطای محاسباتی، سیاست‌گذار را به اشتباه کشانده و در نهایت منجر به تجویز سیاست‌های نابجا و غلط می‌شود.

در این نوشتار سعی بر آن بوده تا شاخص ضریب جینی بر مبنای عدالت اسلامی ارزیابی و نقد شده و صورت صحیح استفاده از آن تبیین گردد. در حال حاضر ضریب جینی برای صورت‌بندی برابری در آخرین مرحله





[مقدمه]

در یک معنای عام می‌توان «حکمرانی»^۱ را «سازوکار تعامل و شیوه تسری اراده در کنش و فعل دیگران» معنا کرد. مقصود از «دیگری» در این تعریف می‌تواند شهروندان یک جامعه، کارمندان و کارکنان یک شرکت خصوصی یا سازمان دولتی یا حتی دولت‌های دیگر در روابط بین‌الملل باشد که البته عموماً به کارگیری عبارت حکمرانی برای اشاره به تسری اراده حکومت‌ها یا دولت‌ها در فعل و کنش شهروندان و جامعه بوده است. با این قید می‌توان در شکلی خاص تر حکمرانی را به روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی معنا کرد؛ بدین شکل که چگونه و با چه ابزارهایی رفتار جامعه در مسیری که حاکمیت در نظر دارد، کانال‌بندی و جهت‌دهی می‌شود.

مقوله حکمرانی از ابعاد مختلف قابل قضاوت و ارزش‌گذاری است. اولین سنخ از سؤالاتی که می‌توان پرسید این‌گونه است که به‌عنوان مثال ذیل یک شیوه خاص از حکمرانی، آیا حاکمیت توانسته اراده و خواست خود را به میزان مطلوب یا کافی در فعل و انتخاب‌های شهروندان تسری دهد؟ آیا حاکمیت توانسته درصد قابل توجهی از آنچه را که در پی تحقق آن در جامعه بوده، محقق سازد؟ آیا شیوه‌های به کار گرفته شده، توانسته کنش شهروندان را در مسیری که نظام سیاسی یک کشور قصد کرده با خود همراه سازد؟ آیا ابزارها و نهادهایی که در خدمت حاکمیت قرار گرفته‌اند، برخوردار از قابلیت مطلوبی در تسری کامل اراده در کنش جامعه هستند؟ این سنخ سؤالات در واقع پرسش از میزان کارآمدی و اثربخشی حکمرانی است و آن را از منظر ابزارها و چگونگی رسیدن به اهداف ارزیابی می‌کند.

سنخ دیگر ارزیابی‌ها، جهت و اهدافی را که اراده یک نظام سیاسی در پی تحقق آن است، مد نظر دارد و تمرکز خود را بیش از هر چیز بر ارزیابی تصویر مطلوبی که در پس سیاست‌ها پنهان است، قرار می‌دهد. در واقع در این نگاه باید پرسید، در مذاق سیاست‌ها و ابزارهای به کار گرفته شده، چه چیزی پیشرفت و چه چیزی پس‌رفت معنا می‌شود؟ آیا پیشرفت مد نظر، حقیقتاً برخوردار از مختصات پیشرفت مطلوب است یا آنکه سرابی بیش نبوده و خود در تحلیلی عمیق تر می‌تواند حرکت قهقراپی معنا شود؟

چهره مطلوب پنهان شده در پس سیاست‌ها را باید با کنار هم گذاشتن پازل‌های متعددی کشف نمود. یکی از این پازل‌ها، شاخص‌هایی است که به‌عنوان نماگر، نمایشگر وضعیت جامعه در حوزه‌های مختلف بوده و امکان مقایسه جامعه با خودش یا جوامع دیگر را فراهم می‌نماید. شاخص‌ها در واقع شکل کمی و عینی تر شده‌ای از همان غایت مطلوب هستند که ابزارهای سیاستی برای رسیدن به آن وضعیت به کار گرفته می‌شوند.

در نگاهی دیگر می‌توان شاخص‌ها را ابزار حکمرانی نیز دانست. بدان معنا که می‌توان از طریق شاخص‌ها اراده خود را بر کنش دیگران نفوذ داد. برای مثال در حوزه حکمرانی بین‌الملل، نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول (IMF) یا گروه بانک جهانی (WBG)،



با تعریف شاخص‌های خاص و تبدیل آنها به استانداردهای قضاوت، کشورها را براساس میزان تحقق آن شاخص‌ها رتبه‌بندی و ارزشگذاری می‌کنند؛ همین موضوع منجر به آن می‌شود که بسیاری از کشورها سیاست‌های خود را در جهت بهبود شاخص‌های تعریف شده اعمال کنند. در واقع اگر کارکرد شاخص‌ها از جایگاه خود که به‌عنوان صورت کمی شده وضع مطلوب هستند، فراتر رفته و به‌عنوان معیار و استاندارد لحاظ شوند، تبدیل به ابزار حکمرانی خواهند شد.

بافهم جایگاه شاخص‌ها در حکمرانی، اهمیت واکاوی و تأمل عمیق پیرامون آنها روشن می‌شود؛ خصوصاً شاخص‌هایی که در عرصه‌های سیاستگذاری کشور رسوب کرده و استفاده گسترده و بسیار متداولی یافته‌اند. در واقع باید توجه داشت که بازبینی و بازتعریف شاخص‌ها فی‌نفسه، از ضرورت‌های غیرقابل اجتناب برای اصلاح حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی است. از این‌رو در این گزارش سعی بر آن است تا به‌عنوان نمونه، تأملی پیرامون «ضریب جینی»^۱ داشته باشیم؛ شاخصی که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی بوده و کاربرد عمده‌ای در سنجش نابرابری‌های، سیاست‌های رفاهی و توزیع درآمدی دارد.

شاخص ضریب جینی به‌صورت گسترده مورد استناد در بدنه سیاستی کشور است. این شاخص صورت کمی شده‌ای از نابرابری‌های اقتصادی در یک جامعه را نمایش می‌دهد و همواره به آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نماگرهای حوزه عدالت توزیعی استناد و ارجاع داده می‌شود. بسیاری از سیاست‌های اقتصادی، توزیعی و رفاهی کشور، متأثر از این شاخص بوده و برای بهبود وضعیت کشور در این شاخص اتخاذ می‌شوند. مبتنی بر مقدمه پیش‌گفته، در این گزارش سعی بر آن داریم تا تأملی پیرامون این شاخص مهم سیاستی داشته و کاربرد آن را از منظر مبانی به نقد گذاریم.



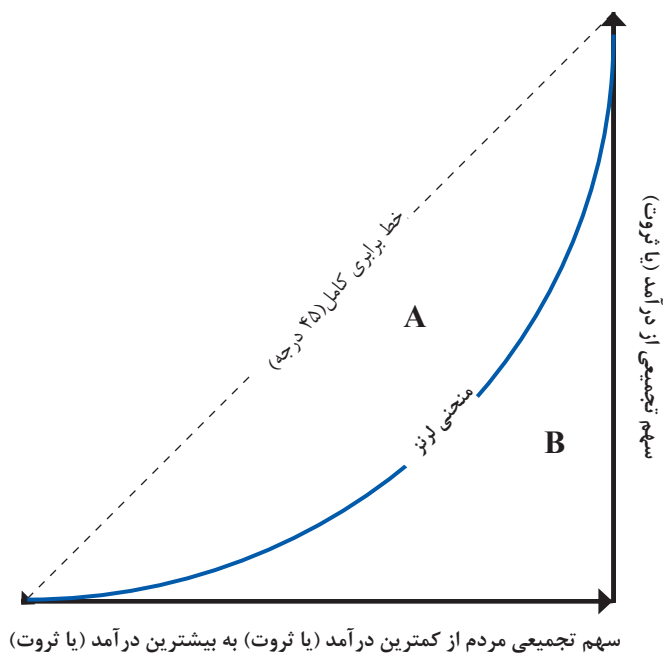
1. Gini coefficient

۱. ضریب جینی

ضریب جینی اولین بار توسط کورادو جینی، جامعه‌شناس و آمارشناس ایتالیایی، طرح گشت. (Gini, 1936) این ضریب معیاری از پراکندگی آماری برای نمایش نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک کشور یا هر گروهی از مردم را نمایش می‌دهد و مقدار آن از صفر تا یک متغیر است. ضریب جینی در شکل ریاضی خود عموماً مبتنی بر منحنی لرنز^۱ بیان می‌شود. منحنی لرنز نمایشگر مقدار تجمیعی درآمد (یا ثروت) برای دهک‌های درآمدی از کمترین سطح درآمد (یا ثروت) به بیشترین سطح است. همان‌طور که در نمودار زیر نمایش داده شده است، هرچه نابرابری توزیعی بیشتر باشد، منحنی لرنز قوس بیشتری داشته و به مبدأ مختصات نزدیک‌تر می‌شود و برعکس هرچه توزیع شکل برابرتری داشته باشد، منحنی به خط ۴۵ درجه نزدیک‌تر خواهد شد.

نابرابری در توزیع ثروت‌ها و شکاف طبقاتی از موضوعاتی است که دغدغه دولت‌ها بوده و همواره در سیاستگذاری‌های عمومی مورد توجه سیاستگذاران است. برای سنجش نابرابری، شاخص‌های متعددی چون شاخص ضریب جینی، شاخص تیل،^۲ شاخص اتکینسون^۳ و ... مورد استفاده است. هر کدام از این شاخص‌ها بر مبنای رویکردهای ویژه‌ای استوار هستند که می‌توان از این بستر به نقد و ارزیابی آنها اقدام کرد. از میان انواع شاخص‌های توزیعی، ضریب جینی را می‌توان به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین شاخص در ایران مورد اشاره قرار داد که البته عمومیت و شهرت آن محدود به ایران نبوده و تقریباً در همه کشورها به‌عنوان مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی و مقایسه وضعیت‌های توزیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شکل ۱. منحنی لرنز



1. Theil Index
2. Atkinson Index
3. Corrado Gini
4. Lorenz Curve

سیاستی است که آثار آن منتهی به کاهش مقدار شاخص ضریب جینی شود. یا در مقایسه میان دو جامعه متفاوت، جامعه‌ای از نابرابری کمتر (بخوانید عدالت بیشتر) برخوردار است که عدد به‌دست آمده برای شاخص جینی عدد پایین‌تری باشد. با این نوع کاربرد از ضریب جینی باید گفت اگر مقدار آن صفر باشد، به معنای برابری کامل و به عبارتی عدالت حداکثری است و اگر مقدار آن به یک نزدیک شود، به معنای افزایش نابرابری و به عبارتی عدالت حداقلی معنا می‌شود. اگر مقدار ضریب جینی برابر با یک باشد، بدان معناست که توزیع ثروت یا درآمد در آن کشور یا آن مجموعه، کاملاً نابرابر بوده و شکاف طبقاتی در حد اعلائی خود است.

با توجه به توضیحات فوق باید اذعان داشت که ثقل محتوایی شاخص ضریب جینی بر تفسیر آن از «عدالت به مثابه برابری» قرار دارد و اگر بخواهیم نقدی از بستر نظریه عدالت بر آن داشته باشیم، باید «برابری» را پنجره ورود خود به این نقد قرار دهیم.^۱

مبتنی بر توضیحات فوق، ضریب جینی معادل است با نسبت مساحت ناحیه محصور میان خط برابری کامل (خط ۴۵ درجه) با منحنی لرنز (یعنی سطح A) بر کل مساحت زیر خط ۴۵ درجه (یعنی A+B). به عبارتی می‌توان صورت‌بندی عمومی ضریب جینی را این‌گونه نگاشت:

$$G = A \setminus (A + B)$$

هر چند ضریب جینی یک ابزار آماری برای سنجش نابرابری است، اما از این شاخص برای سنجش عدالت توزیعی در جوامع علمی و به خصوص سیاستی استفاده فراوان می‌شود. وقتی این شاخص به عنوان شاخصی برای سنجش عدالت مورد استناد قرار گیرد، قرائت خاصی از عدالت را به حوزه سیاستی تزریق و القا می‌نماید. در این کاربرد به صورت ضمنی عدالت در «برابری کامل در حوزه توزیع ثروت‌ها (یا درآمدها به فراخور موضوع سنجش) فرض می‌گردد». در چنین کاربردی سیاست بهینه

۲. تأملی پیرامون مفهوم برابری

برابری، برخلاف چهره به ظاهر ساده خود، مفهومی غامض و قابل مناقشه است. هم برابری و هم نابرابری مفاهیمی چندبعدی هستند. (Temkin, 1993, chap. 2) جستجو در تاریخ نظریه‌های مبتنی بر برابری گویای این واقعیت است که در هر بستر تاریخی، این مفهوم به شکل متفاوتی تعریف شده است. (Rae, 1981, p. 132) همان‌طور که دور کین بیان می‌کند، خیلی از کسانی که از آن دفاع کرده و آن را می‌ستایند و یا افرادی که آن را بی‌مقدار جلوه داده و آن را رد می‌کنند، در خصوص آنچه که می‌ستایند یا آنچه که آن را بی‌مقدار معرفی می‌کنند هم درک نیستند. (Dworkin, 2000, p:2)

در ادامه سعی خواهد شد تا ضریب جینی از دو منظر «پایه برابری» و «لایه برابری» واکاوی و ارزیابی شود. نشان داده خواهد شد که این ضریب نه در انتخاب پایه و مبنای برابری و نه در تأکید بر لایه برابری از میان لایه‌های چهارگانه برابری در هیچ یک همگن با نگاه اسلامی نیست.

۱-۱. پایه برابری

می‌توان ادعا کرد که در آنتومومی معیارهای عدالت اسلامی، به هیچ وجه برابری در تمام سطوح اجتماعی نمی‌تواند نسخه مطلوبی برای جامعه باشد؛ اما از سوی دیگر نیز نمی‌توان نظریه عدالت اسلامی را تهی از

۱. این تذکر لازم است که در این گزارش قصد ورود به نقدهای تکنیکی و فنی ضریب جینی نداریم و فقط آنچه به صورت ضمنی در پس آن به عنوان وضعیت مطلوب و عدالت به سیاست‌ها القا می‌شود مورد نقد ماست.

2. Autonomy
3. Self-legislation



شده است. یکی از برادران مالک ۹۹ گوسفند است و دیگری یک گوسفند دارد. فردی که مالک ۹۹ گوسفند است ادعا می‌کند که گوسفندی که در اختیار برادرش است به او تعلق دارد؛ اما برادر او منکر آن است. حضرت داود (ع) در ابتدا حکم به ظلم فردی که ۹۹ گوسفند دارد می‌دهد؛ اما سپس مکشوف می‌شود که ادعای فردی که ۹۹ گوسفند دارد صحیح بوده و آن یک گوسفند نیز مال اوست. سپس حضرت داود (ع) از قضاوت اشتباه خود استغفار کرده و خداوند نیز توبه او را قبول می‌کند. حال اگر برابری در نتیجه می‌توانست معیار عدالت باشد، حق آن بود که نه تنها آن یک گوسفند بلکه باید ۴۹ گوسفند دیگر نیز به فردی که ادعای مالکیت بر یک گوسفند داشت، داده می‌شد؛ اما حتی حکم به تعلق یک گوسفند برای او خلاف حق و به تعبیر دیگر خلاف عدالت فرض شده است.

یا به‌عنوان مثال دیگر خداوند در آیاتی چون «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ» (حجر: ۸۸) و نیز آیه «وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانُّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ» (قصص: ۸۲) انسان را از تقاضا و تمنای داشتن هر آنچه که دیگران دارند نهی کرده است. سیاق آیات نیز به نحوی است که نهی صراحتاً شامل مباحث مادی و مالی می‌شود. این نهی وقتی می‌تواند منطقی باشد که اولاً به صورت پیش فرض باید تفاوت‌هایی وجود داشته باشد و ثانیاً این تفاوت‌ها باید به رسمت شناخته شوند.

به‌طور خلاصه باید گفت اولین نقد وارد بر ضریب جینی آن است که معیار اخلاقی خود برای ترسیم مطلوب اجتماعی را بر پایه برابری در درآمد و ثروت قرار داده است در حالی که برابری در آن نه تنها از نظر اسلام مطلوب جامعه نیست، بلکه قرآن جستجوی برابری در آن را نهی نیز نموده است.

نتیجه‌گیری فوق بدون بیان اینکه از منظر اسلامی برابری در چه چیزی باید در سیاستگذاری‌های اجتماعی پایه قرار گرفته و جستجو شود، ابتر خواهد ماند. این گزارش ظرفیت ورود به این موضوع و شرح و بسط و استدلال بر آن را ندارد، اما به‌نحو اجمال می‌توان اشاره داشت که اولاً برابری یکی از معیارهای نظریه اسلامی عدالت است و نه همه معیارهای آن و ثانیاً کنه و پایه برابری از نگاه اسلامی در رعایت «برابری در کرامت ذاتی انسان‌ها» نهفته است نه در برابری ثروت و درآمد. اگر برابری در ثروت و درآمد منتهی به نقض برابری در کرامت انسان‌ها شود، قطعاً باید آن را کنار گذاشت. برای مثال، دو فرد را در نظر بگیرید که هر دو در یک کارخانه به‌عنوان کارگر مشغول کار هستند. یکی از آنها تلاش بسیاری به خرج داده و ساعت‌های بیشتری را مشغول به کار است و دیگر انگیزه‌ای برای تلاش نداشته و تا جایی که برایش ممکن باشد در کار کوتاهی می‌کند. آیا شایسته است که در پرداخت پاداش این دو برابر فرض شوند؟ قطعاً اعمال برابری در چنین شرایطی حس تبعیض و اهانت را در فرد

را به‌عنوان تنها اصل حقوق بشر نتیجه می‌گیرد (Kant, 1797, vol. VI, p.230). مارکس ریشه نابرابری‌ها را در مالکیت خصوصی تعریف کرده و هر چند ادعای طرح نظریه‌ای غیرهنجاری دارد، اما خواهان لغو مالکیت بوده و دو هنجار توزیعی متفاوت برای دو مرحله متفاوت از سوسیالیسم اشتراکی پیشنهاد می‌دهد؛ بدان نحو که در مرحله اول بر اصل «توزیع مبتنی بر مشارکت افراد در تولید» و در مرحله دوم توزیع مبتنی بر اصل «از هر کس به اندازه توانایی و به هر کس به اندازه نیاز» تأکید می‌کند (Marx, 1875). رالز در چارچوب ارزشی تکلیف‌گرایی و قرارداد اجتماعی، برابری در کالاهای اولیه^۱ را مبنا قرار می‌دهد، برخی از برابری در منابع دفاع می‌کنند، (Dworkin, 1981) برخی از برابری فرصت‌ها برای کسب رفاه، (Arneson, 1989) برخی چون سن و نوسبام تأکید بر برابری در قابلیت‌ها دارند (Nussbaum C, 2001; Sen, 1992) و برخی چون مایکل والزر از برابری پیچیده^۲ صحبت می‌کنند (Walzer, 1983, p.17).

تنوع پاسخ‌ها به سؤال از «برابری در چه چیزی؟» گویای آن است که هر کدام از نظریه‌پردازان فوق، دفاع از برابری را بر پایه متفاوتی قرار داده‌اند؛ به نحوی که بعضاً برابری از نظر یکی در تنافی و حتی در تضاد با برابری در نظر فرد دیگر است؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد که بعضاً «برابری» در نظریه‌های حوزه عدالت تا اشتراک لفظ تقلیل می‌یابد.

از آنجا که واکاوای ضریب جینی مقصود این گزارش است باید گفت، آنچه که در پس معیار ضریب جینی به‌عنوان پایه و مبنای برابری قرار گرفته است، برابری در درآمد و ثروت است. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، کم بودن مقدار ضریب جینی به‌معنای عادلانه‌تر بودن توزیع تفسیر می‌شود و کم بودن مقدار آن نهفته در برابر تر شدن سهم افراد از درآمدها و ثروت‌های جامعه است تا جایی که برابری مطلق سهم افراد از درآمد و ثروت‌های جامعه کمترین مقدار ضریب جینی یعنی صفر را نتیجه می‌دهد.

رجوع به مبانی اسلامی نشان از آن دارد که هر چند برابری یکی از اضلاع جدایی‌ناپذیر نظریه اسلامی عدالت است؛ اما به‌هیچ‌روی از منظر اسلامی پایه برابری در ثروت‌ها و درآمدهای جامعه قرار ندارد. برای مثال می‌توان به آیات «وَهَلْ أُنَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاجْرَمُوا بِالْحَقِّ وَلَا تَسْطُطُوا وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَحَزَّ رَأِعًا وَ أَنَابَ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ» (ص: ۲۱-۲۵) توجه داشت که در آنها داستان قضاوت حضرت داود (ع) در خصوص شکایت دو برادر نقل

1. Primary Goods
2. Complex Equality

تمهیدی، جامعه موظف است تا منابع جامعه را به نحوی تخصیص داده و شرایط را تمهید نماید که افراد از امکان برابر برای کسب شایستگی‌ها برخوردار باشند.

برابری تمهیدی نیز همچون برابری در فرصت‌ها، می‌تواند در دو شکل «برابری تمهیدی صوری» و «برابری تمهیدی بنیادین» پیجویی شود. برابری تمهیدی صوری به معنای نبود تبعیض مستقیم و صریح میان افراد تفسیر می‌شود و در مقابل برابری تمهیدی بنیادین، علاوه بر نفی تبعیض‌های صریح، بر نفی تبعیض‌های غیر مستقیم و غیر صریح و به جامانده از روندهای تاریخی نیز نظر داشته و دامنه وسیع‌تری را نسبت به شکل صوری آن شامل می‌شود. گستره این نوع برابری تا حدی است که به تجویز برخی تبعیض‌های مثبت^۴ جهت برطرف نمودن نابرابری‌های انباشته شده در روندهای تاریخی مثل فقر و شکاف طبقاتی منتهی می‌شود. هر دو مفهوم برابری تمهیدی تأکید بر این دارند که اگر عوامل بیرونی در زندگی مردم و سهم افراد جامعه از خیرات اجتماعی نقش (چه سلبی و چه ایجابی) داشته باشند، نباید این نقش غیر منصفانه و به نحو جانبدارانه اعمال شود.

لایه دوم برابری ناظر بر فرایندها و رویه‌هاست که با عنوان «برابری فرایندی»^۵ شناخته می‌شود. در توضیح آن به طور مختصر می‌توان به رفتار برابر با عوامل برابر و قائل شدن تمایز میان عوامل متمایز اشاره کرد. ارسطو معیار رعایت عدالت توزیعی را رعایت تناسب هندسی میان شهروندان در توزیع خیرات اجتماعی می‌داند. بدان معنی که افراد برابر، سهم برابر داشته و افرادی که تفاوت جایگاه و استحقاق دارند به تناسب تفاوتشان سهم متفاوتی داشته باشند. در این باره چنین بیان می‌دارد: «همه بر این عقیده‌اند که عدالت در توزیع، باید مبتنی بر استحقاق باشد. پس عدالت، رعایت تناسب است و اینکه با برابرها به طور برابر و با نابرابرها به طور نابرابر رفتار شود و مواهب و امکانات، به تناسب با برابری و نابرابری اشخاص توزیع گردد» (ارسطو، ۱۳۷۸، صص: ۱۷-۱۷۴). در این شکل از برابری، سهم افراد از کل خیرهای اجتماعی^۶ با توجه به آورده‌های آنها با یکدیگر مقایسه می‌شود.

لایه سوم برابری، «برابری در نتیجه»^۷ است که در برخی نظریات از آن تحت عنوان «برابری در شرایط»^۸ نیز یاد شده است. در این شکل از برابری، وضعیت مشابه افراد، فارغ از وضعیت آنها در دو لایه پیشین، هدفگذاری می‌شود. این نوع برابری، بسته به اینکه چه نرم و هنجارهایی ملاک و هدف تأمین برابری قرار گرفته باشند، اشکال گوناگون خواهد یافت. برخی بر ثروت برابر، برخی بر درآمد برابر، برخی بر مطلوبیت برابر

نخست پدید آورده و یک ناظر بیرونی نیز به این تبعیض و اهانت اعتبار خواهد بخشید. لذا تعامل برابر در پرداخت درآمد از آنجا که منتهی به نقض کرامت برابر انسانی می‌شود، نمی‌تواند سیاست عادلانه‌ای فهم شود.

۲-۱. لایه‌های برابری

لایه‌های متعدد برابری، یکی دیگر از عواملی است که به افزایش پیچیدگی مفهوم برابری منجر شده است و بدون توجه به آنها نمی‌توان جایگاه صحیحی برای معیار برابری در دامن نظریه عدالت اسلامی ترسیم نمود. در ادامه سعی بر آن خواهد بود تا با شمارش این لایه‌ها، مبتنی بر مباحث پیشین، مشخص کنیم که «نظریه عدالت اسلامی تأکید بر کدام یک از آنها را ترجیح داده و کدام یک را نفی می‌کند؟» و اینکه «آیا آنچه پشتوانه ضریب جینی قرار گرفته، در تناسب با پاسخ فوق هست یا خیر؟».

جستجو در نظرات مختلف نشان از آن دارد که برابری در چهار لایه متفاوت مورد تأکید بوده است. لایه اول برابری در زمینه‌ها و مقدمات لازم برای تعاملات انسانی است و ما از آن با عنوان «برابری تمهیدی» نام می‌بریم. برابری تمهیدی در برخی زوایا نزدیک به مفهوم «برابری در فرصت‌ها» است و از زوایای دیگر، نزدیک به مفهوم «برابری در قابلیت‌ها»^۹ است که توسط آمارتیا سن^{۱۰} طرح شده است؛ اما مقصود از برابری تمهیدی متفاوت از هر دوی آنهاست. در توضیح تفاوت «برابری در فرصت‌ها» با آنچه که ذیل عنوان «برابری تمهیدی» مد نظر است می‌توان به این مورد اشاره داشت که برابری در فرصت‌ها تناسب معنایی با «آزادی منفی» دارد؛ اما آنچه مد نظر در برابری تمهیدی مد نظر است، محدود به مفهوم منفی آزادی نیست. همچنین باید گفت رویکرد «قابلیتی» تناسب با معنای «آزادی مثبت» دارد؛ اما آنچه مقصود از برابری تمهیدی است به هیچ وجه در «آزادی مثبت» محدود نمی‌شود. مضاف بر موارد فوق می‌توان از این منظر که نوعی بی‌اعتنایی به «جهت» در مفهوم برابری در فرصت و برابری در قابلیت‌ها نهفته است، آنها را از برابری تمهیدی متفاوت دانست. تأکید بر مفهوم «کمال» در تقریر برابری تمهیدی تأکید بر جهت‌دار بودن امکانات حاصل از رعایت برابری تمهیدی برای افراد است و این از آن روست که انسان‌ها بدو مکلف و مسئول بوده و این امکانات در واقع تمهید شرایط مناسب برای ادای تکلیف آنهاست. مبتنی بر بعد سلبی برابری تمهیدی، حق سلب فرصت کسب شایستگی‌ها از هیچ کس وجود ندارد و مبتنی بر بعد ایجابی برابری

۶. مقصود از خیرهای اجتماعی چیزهایی است که افراد جامعه خواهان آن هستند مثل ثروت، قدرت، فرصت، کرامت و نیز علم و دانش.

1. Equality of Opportunity
2. Equality of Capability
3. Amartya Sen
4. Positive Discriminations
5. Equality of Process
7. Equality of Outcome
8. Equality of Condition



و ... تأکید دارند.

لایه چهارم برابری را می‌توان «برابری در چشم‌انداز» عنوان‌گذاری کرد. در این نوع از برابری، ساختارهای توزیعی و حمایتی به‌نحوی پیکربندی می‌شوند که جامعه در یک دورنما و افق پیش‌رو به سمت برابری حرکت می‌کند. البته ممکن است تحقق عینی چنین چشم‌اندازی ممکن نباشد، اما به زبان ریاضی به‌صورت حدی پیش‌روی افراد بوده و نتیجه سیاست‌ها، جامعه را به آن سمت خواهد کشاند. به‌عنوان مثالی از این دست می‌توان اصل تبعیض جان رالز (و یا حتی عمده نظریاتی که ذیل «اولویت‌گرایی»^۱ دسته‌بندی می‌شوند) را ذیل این نوع برابری جایابی کرد. مبتنی بر اصل تبعیض رالز، باید بیشترین عایدی نصیب کم‌برخوردارترین افراد جامعه شود. رعایت این اصل در نهایت به‌صورت حدی، برابری در جامعه را رقم خواهد زد؛ لذا برای جامعه دورنمایی از برابری را ترسیم می‌کند. البته این موضوع را نیز باید افزود که این نوع از برابری قابل هضم شدن در نوع سوم برابری یعنی برابری در نتیجه است با این تفاوت که در نوع سوم برابری غایت اخلاقی و هنجار ارزشی فرض شده، ولی در نوع چهارم، برابری غایت اخلاقی و اصل هنجاری نیست اما به سمت آن در حرکت هستیم.

آنچه از منظر اسلامی مورد تأیید و قابل دفاع است، برابری در لایه نخست یعنی «برابری تمهیدی» و برابری در لایه دوم یعنی «برابری فرایندی» است. اما لایه سوم برابری به‌هیچ‌روی در نگاه اسلامی مورد تأیید و تأکید نیست و حتی از مبنا قرار گرفتن آن نهی نیز شده است. درخصوص لایه چهارم هم نمی‌توان به‌صورت مطلق قضاوت کرد؛ زیرا هنجار برابری به‌عنوان اصل اخلاقی در آن فرض نشده است؛ بلکه فرع و نتیجه مبنا قرار گرفتن اصول اخلاقی دیگری غیر از برابری در سیاست‌هاست.

در این گزارش قصد آن نیست که همه لایه‌های برابری مورد واکاوی قرار گرفته و نسبت آن با نظریه عدالت اسلامی تبیین شود؛ زیرا تمرکز ما بر نقد و بررسی ضریب جینی قرار دارد. از میان لایه‌های چهارگانه برابری، نوع سوم برابری، یعنی برابری در نتیجه، هنجار پشتیبان‌کننده ضریب جینی است؛ به‌عبارتی، وقتی ضریب جینی شاخصی برای عدالت فرض می‌شود درواقع عدالت در برابر شدن شرایط همه افراد جامعه جستجو می‌شود. همچنین باید دقت داشت که بین «برابری فرایندی» و «برابری در نتیجه» تضاد برقرار بوده و اصل قرار گرفتن یکی، نفی دیگری را در پی دارد؛ زیرا استعدادها و توانایی‌های انسان‌ها متفاوت است و رعایت تفاوت بین افراد متفاوت، قطعاً منتهی به تفاوت در نتیجه می‌شود. در نقطه مقابل اگر بخواهیم برابری در نتیجه را ایجاد کنیم، باید بین افراد با استعداد با توانایی و

آورده متفاوت، برابر رفتار کنیم که این نقض شدن برابری فرایندی را در پی دارد. از این‌رو جهت حفظ اختصار در گزارش، صرفاً با تمرکز بر دو لایه «برابری فرایندی» و «برابری در نتیجه»، بحث را پیش خواهیم برد و نشان خواهیم داد که نگاه اسلامی به تأیید برابری فرایندی و در مقابل رد برابری در نتیجه منتهی می‌شود.

برابری فرایندی در دامن نظریه عدالت اسلامی دارای جایگاه ویژه است. برای اثبات این ادعا می‌توان به آیات بسیار فراوانی اشاره داشت که همگی بر تأکید و پذیرش برابری فرایندی استوار هستند. برای مثال خداوند در آیاتی چون «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰)، «هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سبا: ۳۳) و «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۰) جبران برابر و به مثل را به نحو استفهامی طرح نموده و تأیید آن را به اعتراف فطری و قضاوت وجدان انسان‌ها وانهاده است. این نشان از آن دارد که فطرت، برابری فرایندی را عادلانه و منصفانه می‌داند و یا می‌توان به آیاتی اشاره داشت که در آنها به توصیف شیوه دادن پاداش و جزا اشاره شده است. این اشاره از آن جهت مهم است که مبتنی بر نگاه اسلامی، شکل اتم عدالت در کیفر و پاداشی که خداوند در آخرت به بندگان خواهد داد، اجرا خواهد شد. این آیات عبارتند از: «الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (غافر: ۱۷)، «أَنَّى لَا أَضِيعَ عَمَلٌ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (آل عمران: ۱۹۵)، «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) و دقت در جبران به‌حدی است که حتی کوچک‌ترین موارد هم از حساب و کتاب کنار نخواهند ماند «إِنَّهَا إِنْ تَكِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ» (لقمان: ۱۶). چه عمل آنها خیر باشد چه سینه، در هر دو صورت متناسب با عملشان با آنها رفتار خواهد شد «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمَلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ» (آل عمران: ۳۰). پاداش آنها تمام و کمال پرداخت خواهد شد «وَوُتِّقَى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمَلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (نحل: ۱۱۱) و «وَوُتِّقَى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمَلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (هود: ۱۱۱)، «تَوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۶۱) و چیزی از پاداش آنان پس از پرداخت، کسر نخواهد گردید «وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (طور: ۲۱). هیچ فردی پاداش و مسئولیت عمل فرد دیگر را صاحب نشده و به دوش نخواهد کشید «يَوْمًا لَا تَجْزَى نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا» (بقره: ۱۸۳ و ۱۸۴)، «لَا تَرَىٰ وَازِرَةً وَّرَزَّ أُخْرَى» (۱۶۴؛ نجم: ۲۸؛ زمر: ۷؛ اسراء: ۲۳؛ فاطر: ۱۸) و ارزشگذاری نتیجه تعامل، متناسب با آنچه که خداوند به‌فرد داده صورت خواهد گرفت «لَا يَكْفُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»

(بقره: ۲۸۶).

کرد که استناد به ضریب جینی برای توصیف وضعیت عدالت توزیعی در جامعه در عرصه سیاستگذاری در شکل فعلی آن، کاملاً خطا بوده و نتایج حاصل از آن به دلیل سوگیری‌های سوسیالیستی موجود در پس این شاخص، با آنچه مطلوب اسلام بوده و مورد تأکید عدالت حقیقی است، فاصله دارد. در واقع باید گفت، محور قرار گرفتن ضریب جینی برای ارزیابی عادلانه بودن سیاست‌های توزیعی و رفاهی به نقض عدالت منتهی می‌شود.

از آثار و مضرات محور قرار گرفتن این شاخص در سیاست‌های رفاهی آن بوده است که سیاستگذار را از پرداختن به علل بی‌عدالتی‌ها دور نموده و او را به درگیری با معلول‌ها و اتخاذ سیاست‌های ترمیمی در حوزه توزیع مشغول ساخته است. این موضوع از بررسی سابقه تاریخی سیاست‌های ناظر بر رفع فقر و نگاه به شیوه حمایت‌های معیشتی و یارانه‌ای کشور قابل کشف است. سیاستگذاری صحیح در حوزه رفاه و مقابله با پدیده‌های شومی چون فقر باید بدو متمرکز بر «مقابله با ایجاد فقر در جامعه» باشد نه از «بین بردن و زدودن فقر». متأسفانه به واسطه غفلت از تمرکز بر علت‌ها، نظام اقتصادی، سمت و سوی واگرا در شکاف طبقاتی به دست آورده و چهره زشتی را در عرصه اجتماع پدید آورده است. روز به روز به این شکاف افزوده می‌شود و نظام سیاستی کشور با شیوه فعلی و الصاق سیاست‌های ترمیمی، نمی‌تواند آثار منفی آن را از بین برده و شکاف را کاهش دهد.

تأکید بر برابری فرایندی در خلال آیات و روایات بسیار زیاد است و آیات فوق تنها تعداد اندکی از این آیات هستند. با فهم اینکه بین برابری فرایندی و برابری در نتیجه تضاد غیرقابل جمعی برقرار است باید گفت پذیرش برابری فرایندی از منظر اسلام، رد برابری در نتیجه را در پی دارد. تقابل مذکور میان «برابری فرایندی» و «برابری در نتیجه» در آیه «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) با صراحت بیشتری مورد اشاره است. مخاطب این آیه همه افراد جامعه است. اگر همگان هر آنچه را که دیگران دارند به دست آورند، همه در شرایط برابری قرار خواهند گرفت. این آیه به صراحت آروزی چنین چیزی را نهد می‌کند. به عبارتی در مقام نفی ارزش اخلاقی شرایط برابری برای همه قرار دارد. با رد تقاضای برابری در نتیجه، به نفع برابری فرایندی حکم داده و تأکید بر پذیرش آن داشته است؛ بدان معنا که برای مردها یا زن‌ها به همان اندازه نصیب و سهم باید قرار داد که با تلاش و کار خود کسب کرده‌اند.

جمع‌بندی پیرامون ضریب جینی

در بخش‌های پیشین نشان داده شد که ضریب جینی در انتخاب پایه و مبنای برابری و نیز در تأکید بر لایه برابری از میان چهار لایه برابری با نگاه اسلامی همگن و هم‌نوا نیست؛ لذا باید اعتراف

۳. جایگاه صحیح ضریب جینی در نظریه عدالت اسلامی

که در این آیه همه انسان‌ها مخاطب قرار گرفته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۶، ص: ۵۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص: ۲۱۴). لذا از این جهت تفاوتی میان مؤمن و مشرک و کافر و منافق وجود ندارد و در واقع آدم و همه فرزندان او را شامل می‌شود. زیرا کرامت انسانی پایه در دارایی مشترک همه انسان‌ها در انسانیت و خلق مشابه آنها بر فطرت الهی دارد. علامه طباطبایی (ره) در این باره چنین استدلال می‌کند: «این آیه در سیاق منت نهادن است، البته منتی آمیخته با عتاب... از همین جا معلوم می‌شود که مراد از آیه، بیان حال جنس بشر است، صرف نظر از کرامت‌های خاص و فضائل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده

نتیجه‌گیری بخش پیشین ما را با این سؤال مواجه خواهد کرد که آیا ضریب جینی هیچ جایگاهی در نظریه عدالت اسلامی نخواهد داشت؟ آیا نمی‌توان با تغییراتی در ضریب جینی، از آن به عنوان یک شاخص در نظریه اسلامی بهره برد؟ پاسخ به سؤالات فوق مثبت است.

توضیح دادیم که پایه برابری در نظریه عدالت اسلامی بر برابری در کرامت ذاتی انسان‌ها نهفته است.^۱ «برابر بودن» در کرامت ذاتی با تأمل پیرامون آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) به سادگی قابل فهم است. از ظاهر و سیاق آیات پیش و پس آن هویدا است

۱. ممکن است اشکال شود که خداوند مبتنی بر آیاتی چون «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (نساء: ۱۷۳)، «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام: ۱۶۰) «لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَكْثَرَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۸) و ... در قبایل عمل نیک، برابر عمل نکرده و افزون بر آن پاداش می‌دهد، لذا تعلق به اخلاق الهی نمی‌تواند با رعایت برابری در خصوص افعال حسن متجانس باشد. پاسخ آنکه آنجا که خداوند غنی مطلق بوده و محدودیتی بر او قابل تصور نیست، فضل او بر یک فرد به معنای کم شدن از سهم فرد دیگر نخواهد بود اما اگر در روابط بین انسان‌ها فراتر از عدالت، توزیع مبتنی بر فضل صورت گیرد در نهایت سهم افراد یا افرادی کاسته خواهد شد؛ لذا در روابط انسانی نباید جز عدالت عمل کرد مگر آنکه خود فرد از سهم خود گذشت نماید که این نیز باید مبتنی بر همان معیاری باشد که در ادامه معرفی خواهد گشت.

۲. این نکته قابل تذکر است که مضاف بر کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی انسان‌ها نیز یکی دیگر از پایه‌های اصلی عدالت اسلامی است؛ اما در این گزارش ورودی به آن نداریم. اما به طور اختصار باید بیان شود که اصل کرامت ذاتی نسبت به جهت تعاملات خنثی بوده و و قضاوت پیرامون درستی و نادرستی جهت تعاملات و به عبارت دیگر راهبری آنها برعهده اصل کرامت اکتسابی است.



منابع میان آنها توزیع خواهد شد وابسته است. آنچه ذیل منابع اولیه قرار داشته و با این عنوان قابل توزیع است، شامل توزیع هر شکلی از منابع میان افرادی است که خود آنها نقشی در تولید و فراهم آمدن آن منابع نداشته و یا توزیع منابع مستقل از نقش افراد در فراهم آمدن آن منابع صورت می‌گیرد. با این بیان مشخص است که منابع اولیه صرفاً محدود به منابع طبیعی همچون جنگل‌ها، کوه‌ها، دریاها و به‌طور کلی منابعی که بشر نقشی در به‌وجود آمدن آنها نداشته، نخواهد بود. منابع اولیه مفهومی عام داشته و می‌تواند شامل مواردی چون مباحات عامه (مثل نهرها، دریاها، جنگل‌ها و حیوانات و معادن ظاهری و ...)، منابع میته (همچون زمین‌های بایر، معدن‌های باطنی و ...)، مشترکات (مثل جاده‌ها و خیابان‌ها، عواید حاصل از ضرب و خلق پول و ...)، عواید و درآمدهای حاصل از اخراج سهم منابع طبیعی از محصول نهایی (همچون خمس، خراج، جزیه، مقاسمه، مالیات‌های دولتی، بهره مالکانه دولت و ...) و تولید ارزش‌هایی که از به‌کارگیری منابع فوق حاصل می‌شود مثل محصولات شرکت‌های دولتی و ... باشد.^۱

شایان ذکر است که منشأ اصلی تولید فقر و شکاف طبقاتی در کشور، عدم توزیع عادلانه منابع اولیه است. شاخص ضریب جینی اگر برای ارزیابی میزان بهره‌مندی دهک‌های مختلف از منابع اولیه به کار گرفته شود، معنادار بوده و در این صورت بالا بودن رقم آن، از نظر گاه عدالت اسلامی، عین بی‌عدالتی است. در این کاربرد، هر چه سیاست‌های توزیعی به سمت کاهش ضریب جینی حرکت کنند، اخلاقاً از منظر عدالت اسلامی پذیرفته شده است و هر چه سیاست‌ها به شکاف در بهره‌مندی جامعه از منابع اولیه منتهی شوند، در قضاوت اسلامی ناعادلانه‌تر است. بهینه در این نگاه آن است که رقم به صفر برسد و همه آحاد جامعه به‌صورت برابر از منابع اولیه برخوردار شوند.

برای مثال ایران روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند. هر ایرانی از این میزان نفت چه بهره‌ای می‌برد؟ از آنجا که نفت از جمله منابع اولیه بوده و اقتضای عدالت بهره‌مندی برابر از آن است؛ لذا شایسته است که ضریب جینی در این مقام به کار گرفته شده و سهم دهک‌های مختلف از این نعمت خدادادی را بررسی نماید. عدد به‌دست آمده هر چه از صفر فاصله داشته باشد، به‌معنای حقیقی می‌تواند به نقض عدالت تفسیر شود. یا مقوله آموزش مثال دیگری است که می‌تواند با ضریب جینی ارزیابی شود. طبق قانون اساسی کشور، آموزش و پرورش باید به شکل رایگان برای همه به‌صورت برابر تأمین شود و تأمین آن نیز از طریق بودجه عمومی صورت گیرد. برابری هم باید در بعد کمی آموزش و هم در بعد کیفی آموزش لحاظ شود. وضعیت آموزش در کشور به چه نحو است؟ آیا دولت‌ها توانسته‌اند بودجه عمومی آموزش و پرورش را در بعد کمی و کیفی به شکل برابر در جامعه توزیع کنند؟ بهداشت یکی دیگر از

است. بنابراین، آیه فوق مشرکین، کفار و فاسقین را زیر نظر دارد، چه اگر نمی‌داشت و مقصود از آن انسان‌های خوب و مطیع بود معنای امتنان و عتاب درست در نمی‌آمد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص: ۲۱۴-۲۱۵). استقلال کرامت ذاتی از نوع اعتقادات و منش رفتاری افراد و شمولیت آن بر تمام انسان‌ها، بدان معناست که این معیار وقتی باید مورد استناد باشد که قضاوت‌ها به ارزشگذاری افراد، مستقل از نوع انتخاب‌ها و عملکرد آنها، بازگشت داده شود.

برابری در کرامت ذاتی باید دو عرصه را پوشش دهد. عرصه نخست، مرتبط با رابطه انسان با طبیعت است که شامل رعایت برابری میان انسان‌ها در میزان سلطه اراده آنها بر موجودات غیرانسانی و استخدام آنها برای رفع حوائج خود می‌شود. عرصه دوم مرتبط با روابط بین انسان‌ها بوده و ناظر بر رعایت برابری در سلطه اراده انسان بر انسانی دیگر و به استخدام گرفتن اراده هم‌نوع در راستای غایات و حوائج خود است. عرصه نخست همان برابری تمهیدی است و عرصه دوم همان برابری فرایندی است که پیش‌تر آنها را بیان کردیم.

ضریب جینی می‌تواند شاخصی برای کمی‌سازی برابری تمهیدی باشد؛ البته نه تمام ابعاد آن، بلکه صرفاً قسمی از آن که با ثروت و درآمدها مرتبط می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، خیرهای اجتماعی، به‌معنای چیزهایی که مردم در اجتماع در پی به‌دست آوردن آن هستند؛ این خیرها شامل ثروت، قدرت، فرصت، کرامت، دانش و اطلاعات است. از این میان کرامت تکیه‌گاه و محور ترسیم برابری بوده و توزیع در سایر حوزه‌ها باید از برابری در کرامت انسانی نتیجه شوند. ضریب جینی می‌تواند برای نمایش برابری تمهیدی در توزیع ثروت به کار گرفته شود. صورت عام برابری تمهیدی را می‌توان بدین شکل تقریر کرد: «ز آنجا که کمال هیچ انسانی اولی بر کمال انسان دیگر نیست؛ فلذا در بهره‌مندی و برخورداری از بسترهای لازم برای کمال، اولویت و ترجیح برای فردی علیه فرد دیگر روا نخواهد بود». در تأیید اصل فوق علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه «وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴) چنین بیان می‌دارد: اجتماع انسانی با همه کثرتی که در افراد آن و اختلافی که در اشخاص آن وجود دارد، روی هم جزئی از یک حقیقت است و آن حقیقت نوع انسان است، بنابراین آنچه از لیاقت و استعداد که دست‌ساز و تکوین در تک‌تک افراد به‌ودیعه نهاده و به‌نحو مساوی میان آنها تقسیم نموده، اقتضا می‌کند که حق حیات هم در بین افراد آن مساوی باشد و همه در بهره‌مندی از آن در یک سطح باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص: ۳۹۴). ترجمان اصل فوق در توزیع ثروت‌های جامعه آن است که «جامعه باید در توزیع منابع اولیه، اصل برابری را محور توزیع و سهم‌دهی به آحاد جامعه قرار دهد».

اولیه بودن منابع، بیش از آنکه به خود منابع وابسته باشد، به افرادی که

۱. ممکن است این اشکال پدید آید که منابعی چون مشترکات و عواید و درآمدهای حاصل از خراج یا محصولات شرکت‌های دولتی و ... با اراده انسان‌ها ترکیب شده و افراد در تولید آنها نقش داشته‌اند و به این سبب این منابع نمی‌توانند ذیل تعریف منابع اولیه قرار گیرند. در پاسخ باید گفت که هزینه‌های صرف شده برای تولید این منابع باید از آنها کسر شود. آنچه باقی می‌ماند، جزئی از منابع اولیه دسته‌بندی می‌شود.

است و ضریب جینی می‌تواند برای نمایش این فاصله و شکاف مورد استفاده باشد و نتایج به‌دست آمده از آن در دامن نظریه عدالت معنادار و قابل توجه خواهد بود.

مقولاتی است که دولت‌ها باید آن را با استفاده از منابع عمومی به شکل برابر برای آحاد جامعه تأمین کنند. آیا بهره‌مندی دهک‌های درآمدی مختلف از بودجه صرف شده برای بهداشت برابر بوده است؟ هر فاصله و انحرافی از تأمین برابر آموزش و بهداشت برای آحاد جامعه، نقض عدالت

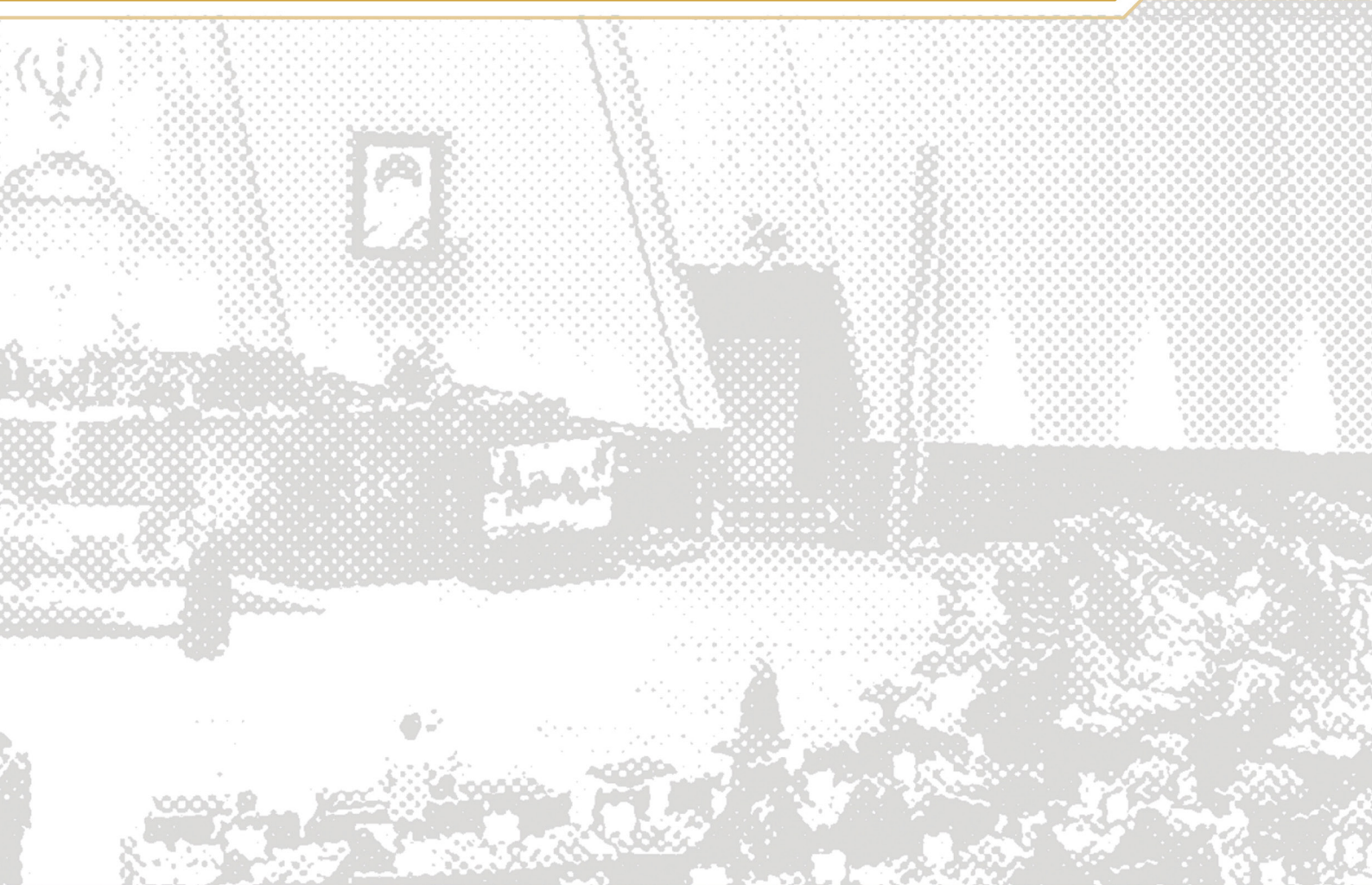
[نتیجه‌گیری]

را ارزیابی نماید نه آنکه در مرحله نهایی به‌عنوان ابزاری برای قضاوت ارزشی وضعیت کلان جامعه از نظر توزیع ثروت و درآمد مورد استفاده قرار گیرد. اشتباه در کاربرد این شاخص منجر به آن گشته است که با آدرس غلط عمده سیاست‌های توزیعی و رفاهی را درگیر با معلول‌ها نماید. آنچه عامل واگرایی در وضعیت رفاهی و ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه است در نقطه شروع توزیع و نحوه بهره‌مندی افراد جامعه از منابع اولیه و فرصت‌هاست نه در حلقه پایان و صورت صحیح استفاده و ارجاع به ضریب جینی آن است که شکاف در میزان بهره‌مندی جامعه از منابع اولیه را گزارش نماید.

از آنجا که شاخص‌ها و نحوه به‌کارگیری آنها از ابزارهای حکمرانی بوده و منجر به جهت‌گیری‌های خاصی در سوگیری‌های سیاستی می‌شود، در این گزارش سعی شد تا شاخص ضریب جینی را که یک شاخص رفاهی با کاربرد بسیار متداول و کثیر در اقتصاد ایران است به نقد گذاشته و از منظر مبانی اسلامی آن را ارزیابی نماییم. نتیجه به‌دست آمده آن است که شیوه و جایگاه کاربرد این شاخص در عرصه سیاست‌ورزی کشور با مبانی و نظریه عدالت اسلامی تناسب نداشته و در نقض آن است. شاخص ضریب جینی باید در حلقه و مراحل نخستین سیاست‌های توزیعی و تخصیصی قرار گرفته و میزان بهره‌مندی جامعه از منابع اولیه

[منابع و مأخذ]

۱. قرآن مجید
۲. ارسطو. اخلاق نیکوماخوس؛ مترجم: محمدحسن لطفی تبریزی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸.
۳. طوسی، محمدبن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن؛ با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین. ترجمه تفسیر المیزان؛ مترجم: موسوی همدانی سیدمحمدباقر، تعداد جلد: ۲۰، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
5. Gini, C. (1936). "On the Measure of Concentration with Special Reference to Income and Statistics", Colorado College Publication, General Series No. 208, 73–79.
6. Temkin Larry; Inequality; Oxford: Oxford University Press, 1993.
7. Rae Douglas; et al; Equalities; Cambridge: Harvard University Press, 1981.
8. Dworkin Ronald; Sovereign Virtue: The Theory and Practice of Equality; Cambridge: Harvard University Press, 2000.
9. Kant Imanuel; Metaphysik der Sitten; In: Kants Gesammelte Schriften (ed), Berlin: Preußischen Akademie der Wissenschaften, 1797.
10. Marx Karl; "Critique of the Gotha Program"; in Robert C. Tucker (ed.), The Marx-Engels Reader, New York: W. W. Norton, 1978 (written in 1875), pp. 525–541.
11. Dworkin Ronald; "What is Equality? Part 2: Equality of Resources"; Philosophy and Public Affairs, Vol. 10, No. 4, 1981, pp. 283-345.
12. Arneson Richard J; "Equality and Equal Opportunity for Welfare"; Philosophical Studies; Vol. 56, 1989, pp. 77-93.
13. Nussbaum Martha C; Creating Capabilities the Human Development Approach; The Belknap Press of Harvard University Press; 2011.
14. Sen Amartya; Inequality Reexamined; Oxford: Clarendon Press, 1992.
15. Walzer Michael; Spheres of Justice: A Defense of Pluralism and Equality; New York: Basic Books, 1983.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir